



آینده سازی یا آینده فروشی در سازمان تأمین اجتماعی؟!

اموال سازمانهای بیمه گر، متعلق به مردم است، یعنی حق الناس است، مال دولت نیست

عقل سلیم استقراض را توصیه می کند، یا فروش اموال و دارایی را؟

قطع به یقین استقراض از بانک را



صفحه ۶

چه چیزی رضایت از زندگی را ایجاد می کند؟
حمله قلبی چیست؟

صفحه ۷

محسن باقری، عضو شورای عالی کار:
مصوبه مزد ۱۴۰۲
با روح قانون نمی خواند!
شورای عالی کار مکلف
به ترمیم مزد است

صفحه ۸

همسان سازی حقوق بازنشستگان:
اما واگرهایی که
تمامی ندارند؟!

صفحه ۲

دکتر علی حیدری
دولت بابت پرداخت بدهی
هایش به تأمین اجتماعی حق
ندارد که حتی سهام به تأمین
اجتماعی بدهد!

صفحه ۳

هشدار رئیس کانون کارگران بازنشسته
تأمین اجتماعی تهران:
مجلس به مفاد خلاف قانون
و منافع جامعه کارگری
رای ندهد

صفحه ۵

رئیس اتحادیه پیشکسوتان
اگر سازمان با این دستورالعمل و
خوش خیالی و غوطه ور بودن در
رویا، مدیریت شود ما آینده آن را
چوب حراج زده ایم

نگاه اول سید مجتبی قریشیان - سردبیر

شما قد کشیدید! جیب ما خالی شد!



وزیر تعاون و کار و مدیرعامل تأمین اجتماعی اخیراً ادعا کرده اند که وضعیت منابع مالی سازمان تأمین اجتماعی از طریق افزایش میزان ورودی های صندوق این سازمان بهبود یافته که این ادعا با اعتراض برخی صاحب نظران و فعالان کارگری مواجه گردیده به گونه ای که آنان گفته اند تأمین اجتماعی به فروش دارایی های خود روی آورده و تأمین

اجتماعی تصریح کرده این چنین نیست دولت گذشته با استقراض های سنگین منابع مالی این سازمان را از بین برده اند! قطع به یقین این چالش ها روزهای آینده وارد فازهای جدید و تعیین کننده ای خواهد شد.

به عنوان یک پیشکسوت که اکنون به حوزه رسانه و اطلاع رسانی ورود کرده ام تأکید می کنم اگرچه به ظن شما اوضاع تأمین اجتماعی درد دولت سیزدهم بهتر شده و منابع مالی سازمان بهبود یافته لیکن آنچه شاهد و ناظریم و خامت مالی جامعه شریف بازنشستگان و بحران معیشتی بیش از ۴.۵ میلیون انسان زحمتکش و ستمدیده ای است که عمرشان را برای به چرخش درآوردن چرخهای اقتصادی کشور و تأمین معاش خانواده گذاشته اند و اکنون با فقر و تنگدستی روزگار می گذرانند و خار در چشم و استخوان در گلو چاره ای جز صبر و بردباری و تحمل مشکلات ندارند!

مساکاری با آمارها و ارقامی نداریم که عزیزان دولت علاقمند به ارایه آنها هستند؛ ملاک قضاوت بازنشستگان جیب های خالی آنان است که حریف رقیب گردن کلفت و لجام گسیخته ای به نام تورم و گرانی نیستند و مسیب این اوضاع و احوال را عملکرد دولت محترم می دانیم که باعث شرایط ناگوار تأمین اجتماعی شده است!

اگر جناب وزیر کار و مدیرعامل معزز تأمین اجتماعی می توانند با حقوق ماهانه ۷ تا ۸ میلیون تومان و خرج های کمرشکن این روزها شادی نمایند ما هم بساط شادی و نشاط را فراهم می کنیم! ولی با اندکی تأمل متوجه می شویم که این امر شدنی نیست. از طرفی بر این باوریم که واقعتاً کتمان شدنی نیست. آقایان! شما قد کشیدید و به عرش رسیدید و جیب های ما خالی شد و به فرش رسیدیم.

درگردهمایی کانون های بازنشستگی تأمین اجتماعی سراسر کشور عنوان شد؛

معیشت پیشکسوتان تولید به طور جدی به خطر افتاده است

گردهمایی سالانه اعضای هیات مدیره کانون های بازنشستگی تأمین اجتماعی سراسر کشور که طی روزهای ۱۶ و ۱۷ مهر ماه ۱۴۰۲ در شهرستان بندرانزلی برگزار شده بود؛ با صدور بیانیه ای به کار خود پایان داد.

به گزارش خبرنگار ما متن بیانیه پایانی این گردهمایی به شرح ذیل است:

۱- کانون های بازنشستگی تأمین اجتماعی سراسر کشور ضمن اعلام بیعت مجدد با آرمان های مقدس نظام جمهوری اسلامی ایران و امام راحل و پیروی از فرامین پیامبرگونه رهبر معظم انقلاب بر عهد خویش جهت تلاش برای استیفای حقوق حقه بازنشستگان محترم و شریف تأمین اجتماعی مصمم می باشند و انتظار داریم نهادها و سازمان های مسئول کانون عالی و کانون های استانی را به منظور تحقق اهداف عالی این نهاد همراهی نمایند.

۲- جامعه نجیب و شریف بازنشستگان تأمین اجتماعی امروز با توجه به تورم و گرانی های روز افزون در شرایطی بسیار وخیم روزگار می گذرانند و هزینه ها و دریافتی این قشر شریف که به اتفاق خانواده های محترم شان بیش از ۱۲ میلیون نفر هستند؛ به هیچ عنوان همخوانی نداشته لذا از دولت محترم و انقلابی انتظار می رود تدابیری مناسب برای مهار تورم و ارتقاء شاخص های اقتصادی احاد مردم ایران به ویژه اقشار حقوق بگیر اندیشیده شود.

۳- مراتب نگرانی بازنشستگان تأمین اجتماعی سراسر کشور نسبت به مفاد لایحه برنامه هفتم توسعه مرتبط با سرنوشت این قشر شریف را اعلام نموده و انتظار داریم متخبران ملت در مجلس شورای اسلامی با بررسی دقیق این لایحه به نگرانی ها و دغدغه های موجود کارگران و بازنشستگان خاتمه دهند.

۴- همگام با اقشار مختلف مردم غیور ایران اسلامی و در راستای سیاست کلان نظام جمهوری اسلامی ایران مراتب حمایت میلیون ها بازنشسته تأمین اجتماعی از مبارزات مردم مظلوم فلسطین بر علیه رژیم غاصب اسراییل را اعلام نموده و فریاد می زنیم که جهان اسلام به رهبری امام خامنه ای پشتیبان تمامی مظلومان جهان و مردم شریف غزه است.



گفت‌وگوی صمیمانه دکتر علی حیدری کارشناس ارشد و مشاور مدیرعامل تامین اجتماعی با ماهنامه "اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری":

مطالبات و حقوق باز نشستگان تامین اجتماعی در لایحه هفتم دیده نشده است

بخش اول:

شاید تامین اجتماعی نتواند مستمري پیشکسوتان را پرداخت کند



در مورد اموال سازمانهای بیمه گر به صراحت گفته شده که متعلق به مردم است، یعنی حق الناس است، بیت المال و بودجه دولت و مال دولت نیست، حق الناس است. این اموال متعلق به مردم است، یعنی حق مردم است

پرداخت بدهی هایش به تامین اجتماعی حق ندارد که حتی سهام به تامین اجتماعی بدهد. دولت و دولت های گذشته و آینده ما دچار کسری بودجه مزمن و سنوالتی هستند. سالهاست که مادچار کسری بودجه هستیم. و دولت کسری بودجه و کسری نقدینگی دارد. تنها راهی که می توانست تا الان بدهی هایش را بطور شکسته و بسته بدهد، علی رغم تبعات و عوارض منفی که داشته، همین بوده که سهام به تامین اجتماعی بدهد. ولی در اینجا تصویب کردند که دولت حق ندارد به تامین اجتماعی کسری بودجه و کسری منابع دارد و دچار کسری نقدینگی است و به او بگویی که سهام هم نده، یعنی به او گفتی که بدهی هایت را نده، چون چیز دیگری ندارد که بخواهد بدهی هایش را پرداخت کند. یا مثلا در مورد وصول حق بیمه تامین اجتماعی آورده اند، که حق بیمه سازمان تامین اجتماعی را سازمان مالیاتی وصول کند، اینکه نمی شود، یا رفتار دوگانه ای دیگری که کرده اند، اگر شما قانون لایحه برنامه ۳۵ میلیون نفر از اقشار جامعه چه روستایی و عشایری و چه شهری تا ۷٪ از حداقل دستمزد را دولت به رایگان و بلاعوض بابت حق بیمه سلامت بدهد. ۷٪ حداقل حقوق کارگروحتی گفته شده تا ۲ برابر این حداقل دستمزد را هم این ۷٪ از پرداخت کند یعنی اگر فردی ۱۴ میلیون تومان حقوق میگیرد دولت ۷٪ مبلغ ۱۴ میلیون تومان را بابت حق بیمه سلامت پرداخت کند. این رقم را شما در مورد ۳۵ میلیون نفر داری می دهی که معلوم نیست. چه تعداد از آنها واقعا نیازمند هستند، چون خیلی از روستائیان و عشایر ما دامدار و کشاورز

است، که فن آوری و مدیریت راهم جزء عوامل تولید بشمار آورده اند. ولی بالاخره عامل انسانی بعنوان اصلی ترین و مهمترین عامل بشمار می آید. اقشار مولد و زحمتکش جامعه و کارگران، هم در زمان جنگ هم در زمان بازسازی هم در زمان جراحی های اقتصادی بیشترین زحمات و لطمه ها را متحمل شده اند. پیش بینی هم همین بود که در قوانین برنامه به این موضوع توجه شود. این مقدمه را از این جهت گفتیم که برنامه هفتم توسعه آخرین برنامه درفاق سند چشم انداز ایران ۱۴۰۴ می باشد و باید تمام ترک فعل هایی که در دولت ها و مجلس های قبلی اتفاق افتاده است و کارهایی که باید انجام می شد و نشده است را باید با این برنامه جبران کنند. تا ما به افق چشم انداز ۱۴۰۴ برسیم. انتظار هم همین بود، ضمن اینکه در سیاست های کلی و در شعارها بی که دولت و مجلس برای تدوین برنامه هفتم ارائه کردند. این انتظار منطقی را در ما ایجاد کردند که اینها به فکر اقشار فرودست جامعه به فکر بازنشسته ها بویژه بازنشستگان تامین اجتماعی می باشند چون بالاخره دولت هوای بازنشستگان لشکری و کشوری را داشته و دارد و تنها بخشی که همیشه مظلوم بوده بخش مشمولین تامین اجتماعی می باشد که به نوعی شهروند درجه ۲ تلقی می شوند. متأسفانه وقتی که پیش نویس لایحه برنامه هفتم را دیدیم احساس شد خیلی خطرناک است؛ چون بر اساس ماده ۱۵ و ۱۶ کتاب لایحه پیش نویس، بحث دستمزد شناساوری و دستمزد توافقی و حداقلی در آن دیده شده بود. خوشبختانه با تلاش هایی که انجام شد، آنها حذف شده و در لایحه نیامده است ولی هم در لایحه و هم در مصوبه کمیسیون تلفیق ما متوجه این هستیم که خیلی آگانه رفتار شده یعنی در مورد بازنشستگان کشوری و لشکری تمام مزایا دیده شده است، ولی در مورد باننشستگان تامین اجتماعی حقوق و مطالبات خودشان هم دیده نشده است. در مورد بدهی های دولت نیز آگانه رفتار شده است، همه دولت ها از جمله دولت ما به نظام بانکی و بانک مرکزی بدهکار است، به پیمانکار هم بدهکار است در قانون برنامه هفتم توسعه آورده شده که بدهی دولت به پیمانکاران و بانکها تبدیل به اوراق بهادار شود و اصل و فرع آن را دولت بپذیرد و اوراق را به اینها بدهد، و اینها برون و خرج کنند. یعنی دولت بدهی هایش را یک جا پاس کند. ولی به تامین اجتماعی که رسیده گفته دولت بابت

گفت‌وگوی سردبیر - سید مجتبی قریشیان
س. آقای دکتر حیدری، در خصوص برنامه هفتم توسعه و آثارش بر سازمان اجتماعی صحبت می نماید؛ خبرهای خوبی نمی شنویم. ج. بحث عدالت اجتماعی یکی از آرمانهای انقلاب اسلامی بود و مردم این آرمان و شعار را مطرح کردند. در قانون اساسی هم در این مورد اصول متعددی وجود دارد. در بحث مورد اشاره ما یعنی نظام جامع تامین اجتماعی در اصول ۳ و ۳۹ و قانون اساسی به آن پرداخته شده، و اشاره شده که همه افراد باید تحت پوشش بیمه ای قرار داشته باشند. چه کسانی که توانمند هستند و قادر به انجام کار و چه آنهایی هم که قادر به انجام کار نیستند. این موضوع در قوانین بعدی مثل قانون کار، قانون ساختار جامع نظام رفاه تامین اجتماعی و همچنین سیاست های کلی و برنامه های توسعه آمده است. ما از برنامه سوم توسعه به بعد، نظام جامع تامین اجتماعی را داشتیم. نظام جامع تامین اجتماعی به منزله سازمان تامین اجتماعی و نه به منزله نظامی که شامل حوزه امداد و حمایت بیمه ای باشد. چون متأسفانه سازمان تامین اجتماعی اسمش بد انتخاب شده است. در گذشته این سازمان، سازمان بیمه های اجتماعی کارگری بوده است. در یک مقطعی آمدند و کلمه کارگری را از روی آن برداشتند و شد سازمان بیمه های اجتماعی و بعد اسمش را سازمان تامین اجتماعی گذاشتند. متأسفانه انتظارات از تامین اجتماعی شامل بیمه های اجتماعی، امداد اجتماعی و حمایت می شود. بالاخره در ۱۸ سال قبل برای کشور یک سند چشم اندازی را تدوین کردند که الان ۲۰ سال دیگر از آن باقی مانده است چشم انداز افق ۱۴۰۴ در آن چشم انداز تعیین و تصویب شده بود که تاکید دارد جامعه ایرانی در سال ۱۴۰۴ بر خوردار از تامین اجتماعی. بر خوردار از رفاه و بدون فقر باشد. در ملاحظات مربوط به آن نظام جامع که در آن چشم انداز دیده شده بود باید همه ی طرح ها و برنامه هایی که در کشور اجرا می شد بر اساس برنامه مصوب چشم انداز ۱۴۰۴ باشد. تا بحث وجود دارد یکی تورم و ارزش پول ملی و حفظ قدرت خرید افراد شاغل و بازنشسته و عموم مردم که باید رعایت شود و نکته دیگر تقسیم بندی عادلانه عوامل تولید می باشد؛ وقتی تولید شکل می گیرد که عوامل آن بطور صحیح و منطقی فراهم شود. در گذشته می گفتند عوامل تولید سرمایه و نیروی کار است. الان نظریاتی مطرح

جنا ب آقای محبوب در مجلس داشت. مجلس آمد و بندالف ماده ۱۲ را در برنامه ششم گنجاند، بر اساس این بند دولت مکلف است که حداقل سالی ۲۰٪ از بدهی هایش را به سازمان تامین اجتماعی پرداخت کند. یعنی در پایان برنامه دولت بدهی هایش صفر شود. و بعد هم آورده شد که دولت مکلف است که اموال و دارایی بدهد. یعنی اگر نقد دارد نقد پرداخت کند و اگر نقد ندارد سهام بدهد، ندارد ملک بدهد. متأسفانه ما مشاهده می کنیم که در مورد پیمانکاران بخش خصوصی، در مورد بانکها ی خصوصی آورده شده که دولت بدهی هایش را پرداخت کند. یک نکته دیگری که باز در سیاست های کلی آمده است و در برنامه هفتم شدت مورد خدشه واقع شده، این است که در بند ۳ سیاست های کلی تامین اجتماعی گفته شده که باید رعایت حقوق و تعهدات بدهی بشود. در مورد اموال سازمانهای بیمه گر به صراحت گفته شده که متعلق به مردم است، یعنی حق الناس است، بیت المال و بودجه دولت و مال دولت نیست، حق الناس است. این اموال متعلق به مردم است، یعنی حق مردم است. می بینیم که در برنامه هفتم گفته شده که سازمان تامین اجتماعی سهامش را بفروشد. یعنی تنها دولت بدهی هایش را به ما نداده بلکه آمده و اجبا میزند سهام خودمان را هم بفروشیم و باز آورده شده که شما مدیران و اعضای هیئت مدیره این شرکت هایی را هم که می خواهی انتخاب کنی باید وزیر اقتصاد و سازمان اداری و استخدامی و وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی انتخاب کنی. اینکه یک مغایرت آشکار با سیاست های کلی است. سیاست های کلی گفته که این اموال متعلق و حق مردم است. حق الناس است. یعنی دولت حق دخالت ندارد. اینها باید بر اساس قانون تجارت و اصول شرکتی و با توجه به اصل ۳ جانبه گرای اداره شوند. یعنی خود صاحبان اصلی در کنار کارفرمایان و دولت بیایند و در ارکان عالی آن قرار بگیرند و آنرا اداره کنند. الان اصل ۳ جانبه گرای کمی رنگ شده است. از سال ۸۹ با تغییراتی که در اساسنامه شکل گرفت و اصلاحیه ماده ۱۳۱ قانون خدمات کشوری. متأسفانه نقش تشکل های کارگری و کارفرمایی در ارکان سازمان کم رنگ شده است. اینجا گفته شده مدیرعامل شرکتی را می خواهی انتخاب کنی باید از آقایان اجازه بگیری و یا اینکه آنها باید انتخاب کنند. اینکه اصلا صحیح نیست. اینها مواردی بود که در برنامه هفتم توسعه در خصوص سازمان تامین اجتماعی آورده

گفت‌وگوی صمیمانه دکتر علی حیدری کارشناس ارشد و مشاور مدیرعامل تامین اجتماعی با ماهنامه "اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری":

مطالبات و حقوق باز نشستانان تامین اجتماعی در لایحه هفتم دیده نشده است

ادامه از صفحه ۲

جواب نکته ای که وجود دارد این است که کشور یکسری ناترازی دارد مثل ناترازی بودجه، ناترازی نظام بانکی، ناترازی در طرح های عمرانی و ناترازی در صندوقهای بازنشستگی! این ماحصل خیلی از اتفاقات گذشته و اتفاقاتی که الان افتاده می باشد بالاخره تحریم ها و حصر اقتصادی بر سر مایه گذاری و بر تولید و بر اشتغال اثر گذاشته است. و بخاطر رکود و عدم رونق و رشد اقتصادی که وجود دارد، طبیعتاً ورودی های صندوق های بیمه گرا اجتماعی و از جمله صندوق تامین اجتماعی کم شده است و این مشخص است. ولی در برنامه هفتم ما مشاهده می کنیم که در مورد ناترازی نظام بانکی و در مورد ناترازی نظام بودجه و در مورد ناترازی طرحهای عمرانی دولت و نمایندگان مجلس راهکار اندیشیده اند و گفته اند که دولت بدهی هایش را پرداخت کند. دولت اوراق بها دار منتشر کند و بدهی هایش را بپردازد و کسری بودجه ایجاد نکند. ولی به ناترازی های صندوق ها که رسیده خصوصاً سازمان تامین اجتماعی گفتند حالا که ناترازی است دولت چیزهایی که می داده دیگر ندهد یعنی هدف گذاری شده تا کمکی را که دولت به صندوقها می کرده کم کنند. در حالیکه در مورد بعضی از صندوق ها، اولاً این کمک، کمک به صندوق نیست. این حق مسلم کارگر است. در سال ۵۴ قانون تامین اجتماعی که در شورای اقتصاد تصویب شد و بعد به تصویب مجلسین شورای ملی و سنا رسید، در آنجا این ۳/۳ بعنوان حق کارگر تعیین شد. کارگر بعنوان یک شهروند که اتفاقاً شهروند توهم است، چرا چون که در تولید و اشتغال و رشد اقتصادی نقش مهمی دارد و تاثیرگذار است. یعنی از عمرش و جانش مایه گذاشته است و از زحمات خودش و عرق جبینش دارد صرف تولید می کند. در آنجا این ۳/۳ کمک به تامین اجتماعی یا سازمان تامین اجتماعی نبوده است. این حق کارگر بوده، اتفاقاً در قبل و در محاسبات اولیه خیلی بیشتر بوده.

یعنی بر اساس محاسبات اولیه قرار بوده دولت ۱۰٪ بپردازد و کارفرما ۱۳٪ و کارگر ۷٪ بپردازد. در شورای اقتصاد که موضوع مطرح می شود. شاه عنوان می کند که دولت ۳٪ و کارفرما ۲۰٪ و کارگر ۷٪ حق بیمه را بپردازد. یعنی این ۳٪ جزء حقوق کارگر بوده است. اینکه می گویند این ۳٪ از کار فرما ندهد دولت بدهد در نتیجه ما بگوییم این رقم کمک دولت بوده است به صندوق های بیمه گر یا سازمان تامین اجتماعی این یک دروغ است، این ۳٪ کمک دولت نیست. حق کارگر است. شما ۵۰ سال است که این بدهی را ندادی در برنامه هفتم هم نه تنها پرداخت آن را در نظر نگرفتی که بگویی دولت حتماً آن را باید بدهد. چطور بدهد و با چه مکانیسمی بدهد، چند ساله بدهد، و یا با چه مهلتی بدهد، بلکه در نقطه مقابل آمدی و گفتی که دولت حق ندارد بابت بدهی هایش به سازمان تامین اجتماعی سهام بدهد یا املاک و اموال بدهد. دولتی که کسری بودجه دارد و نقدینگی ندارد، و تنها را پرداخت بدهی سهام است. اگر سهام هم ندهد پس چگونه بدهی خودش را پرداخت کند. جالب است که در بند یک آورده شده که دولت حق ندارد که به سازمان تامین اجتماعی سهام بدهد. در بند ۲ همان ماده آورده شده که دولت می تواند اموالش را به نهادهای عمومی بدهد. گفته شده ۲ بار آگهی بدهد اگر نخریدند می تواند به نهادهای عمومی مثل شهر داری ها و بنیادها بدهد ولی به تامین اجتماعی ندهد. این که خیلی تناقض است، اینکه خیلی رفتار دوگانه ای است. اصلاً منطقی نیست. اگر دادن دارایی و سهام و اموال دولت کار بدی است چرا دولت سهام و اموالش را می تواند به نهادهای عمومی دولتی و آگاز کندولی یک نهاد عمومی غیر دولتی که از دولت طلبکار است نمی تواند سهام و اموال بگیرد. من فکر می کنم که راهکار کوتاه مدت این است که ما باید اعضای کمیسیون تلفیق و نمایندگان مجلس را هوشیار و بیدار کنیم، تذکر بدهیم و روشننگری بکنیم. در مرحله بعد این قانون بعد از تصویب مجلس باید به تایید

شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام برسد. ما امیدواریم آنجا که پاسدار قانون اساسی و تضمین کننده رعایت سیاستهای کلی نظام هستند باروشننگری هایی که انجام خواهد شد این مسئله حل شود، و آنها این مسئله حل کنند. ولی راهکار در دراز مدت این است که جامعه کارگری باید از این برنامه هفتم درس بگیرد. ما متأسفانه در مجلس فعلی هیچ کسی را نداریم که از بطن جامعه کارگری باشد. خیلی آمده اند و گفته اند ما طرفدار کارگر هستیم ولی اینکه کسی خودش از بطن جامعه کارگری باشد و دلسوز باشد و دغدغه داشته، و کار را آنجا که لازم است دستی پیگیری کند چنین شخصی را نداریم. من در برنامه ششم خودم شاهد بودم که آقای محبوب و سایر دوستانی که در فراکسیون کارگری مجلس حضور داشتند وقت و بی وقت می دویند و بعضی اوقات بصورت دستی این نامه را امضاء می گرفتند و آن را ثبت می کردند و کار را پیگیری می کردند. الان ما یکسری نمایندگان داریم که شاید به جامعه کارگری علاقمند باشند، شاید قول هم بدهند. ولی اینها با سفارشات و گزارشات صداها دستگاه اجرایی باصداها گروه و اقسامختلف سروکار دارند، اصلاً وقت نمی کنند، اصلاً یادشان می رود. در حالیکه ما می بینیم در مجلس اقسامختلف ۳۰ الی ۴۰ نماینده دارند مثلاً پزشکان الان در مجلس ۴۰ نماینده دارند این یک پزشک است، یعنی از بطن جامعه پزشکی آمده است و موبه مومسائل پزشکان را در قوانین رصد می کند و حواسش هست. شما نگاه کنید در نظام سلامت و بیمه سلامت در همین برنامه هفتم توسعه هزاران همت را به این امر اختصاص داده و قرار شده که کمک کنند یاد روزه های دیگر همین طور است اما وقتیکه به حوزه تامین اجتماعی و کارگری میرسیم متأسفانه در این مجلس نماینده نداریم من فکر میکنم که در دراز مدت جامعه کارگری باید تلاش کند که تعدادی از نمایندگان مجلس را ازین خوشان انتخاب کنند.

هشدار رئیس کانون کارگران بازنشسته تامین اجتماعی تهران؛

در برنامه هفتم توسعه به سراغ اموال سازمان تامین اجتماعی رفته اند؟!

مجلس به مفاد خلاف قانون و منافع جامعه کارگری رای ندهد

کارفرمایان بودند. از این تاریخ به بعد بود که سازمان تامین اجتماعی به صورت درست در اختیار دولت قرار گرفت.

رئیس کانون کارگران بازنشسته تامین اجتماعی تهران گفت: طبق گزارش های مرکز پژوهش های مجلس از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۳۹۵ سازمان تامین اجتماعی به سمت ورشکستگی رفته است و همچنین بدهی های دولت به این سازمان افزایش یافت که این نشان از این دارد که دولتی شدن تامین اجتماعی یعنی سوق دادن آن به ورشکستگی.

دهقان کیا تصریح کرد: متأسفانه شاهد هستیم که بر خلاف سیاست های کلی تامین اجتماعی که توسط رهبر معظم انقلاب به سران قوا ابلاغ شده است در برنامه هفتم توسعه بر خلاف این سیاست ها برنامه نگاشته می شود که این کار مورد اعتراض بیمه شدگان و بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی می باشد.

وی خاطر نشان کرد: در برنامه هفتم توسعه کشور به سراغ اموال سازمان تامین اجتماعی رفته اند و می گویند بودجه سالیانه سازمان را دولت تعیین کند که این کار یعنی این که استارت مدیریت منابع مالی سازمان را هم زده اند چرا که با این کار صفر تا صد سازمان دولتی می شود.

رئیس کانون کارگران بازنشسته تامین اجتماعی تهران از نمایندگان مجلس خواست به سیاست های کلی تامین اجتماعی در تعیین قوانین مرتبط توجه داشته باشند و حق بیمه شدگان را از دولت بستانند چرا که طبق قانون سازمان نهاد عمومی غیر دولتی است.

وی از اعضای کانون های بازنشستگان کارگری تامین اجتماعی خواست با همه توان در خصوص برنامه هفتم توسعه وارد شوند و با برگزاری جلسه با نمایندگان حوزه انتخابیه خود مانع تصویب مفادی از آن شوند که بر خلاف قانون و منافع جامعه کارگری و بازنشستگی است.



متأسفانه شاهد هستیم که بر خلاف سیاست های کلی تامین اجتماعی که توسط رهبر معظم انقلاب به سران قوا ابلاغ شده است در برنامه هفتم توسعه بر خلاف این سیاست ها برنامه نگاشته می شود که این کار مورد اعتراض بیمه شدگان و بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی می باشد.
وی خاطر نشان کرد: در برنامه هفتم توسعه کشور به سراغ اموال سازمان تامین اجتماعی رفته اند و می گویند بودجه سالیانه سازمان را دولت تعیین کند که این کار یعنی این که استارت مدیریت منابع مالی سازمان را هم زده اند چرا که با این کار صفر تا صد سازمان دولتی می شود

"علی دهقان کیا" از اعضای کانون های بازنشستگان کارگری تامین اجتماعی خواست با همه توان در خصوص برنامه هفتم توسعه وارد شوند و با برگزاری جلسه با نمایندگان حوزه انتخابیه خود مانع تصویب مفادی از آن شوند که بر خلاف قانون و منافع جامعه کارگری و بازنشستگی است.

رئیس کانون کارگران بازنشسته تامین اجتماعی تهران گفت: دولتی تر شدن سازمان تامین اجتماعی نه تنها کمکی به حل مسائل این سازمان نخواهد کرد بلکه موجب بیشتر شدن مشکلات تامین اجتماعی خواهد شد.

"علی دهقان کیا" افزود: سازمان تامین اجتماعی از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۸۳ توسط شورای عالی تامین اجتماعی سیاست گذاری می شد و مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی پاسخگوی شرکای اجتماعی بود.

وی با بیان این که در سال ۱۳۸۳ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی مصوب شد، تصریح کرد: این قانون بدون نظر شرکای اجتماعی در مجلس وقت تصویب شد و مورد اعتراض شرکا واقع شد و ما حتی در جلسه ای با رئیس وقت مجلس و آقای محبوب نماینده وقت مجلس به این مصوبه اعتراض کردیم که این آقایان اعلام کردند شما نگران آینده سازمان تامین اجتماعی نباشید چرا که استقلال اداری مالی سازمان حفظ خواهد شد.

دهقان کیا گفت: در این قانون نصف به علاوه یک اعضای شورای عالی تامین اجتماعی توسط وزیر کار منصوب می شدند اما این حسن را داشت که نمایندگان قسمت های مرتبط در دولت منصوب و وزیر کار نبودند که این کار باعث می شد شورای عالی تامین اجتماعی در انحصار یک وزارتخانه نباشد و شرکای اجتماعی قادر به مذاکره با اعضا باشند. این فعال کارگران بازنشسته تامین اجتماعی افزود: بعد از سال

۱۳۸۹ و با اصلاح ماده ۱۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری، شورای عالی ۱۵ نفری به هیات امنای ۹ نفره تقلیل یافت که ۶ نفر نمایندگان وزیر کار، ۲ نفر نماینده کارگران و یک نفر نماینده

رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری به اظهارات تامین اجتماعی پاسخ داد؛ آینده سازی یا آینده فروشی در سازمان تأمین اجتماعی



ادعای فروش دارایی صندوق نیز برخلاف آنچه ادعا شده اگرچه در دولت قبل «آینده‌فروشی» در قالب فروش مستقیم دارایی در سازمان تأمین اجتماعی اتفاق افتاده و برای نمونه بخشی از سهام تایپکو در دوره‌ای از پرتفوی سازمان تأمین اجتماعی به صورت کامل خارج شده، اما در این دولت که دولت «آینده‌ساز» است با استفاده از ظرفیت جابه‌جایی دارایی‌ها در زیرمجموعه سازمان تأمین اجتماعی، تأمین مالی صورت گرفته و در عمل دارایی در پرتفوی سازمان حفظ شده است که به نوعی اصلاح در ساختار مالی تلقی می‌شود.

«حسن صادقی» معاون دبیرکل خانه کارگرو رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری درباره جوابیه ای را منتشر کرد: در بخشی از این نامه با اشاره به این که بحران مالی در سازمان

سازمان در بلند مدت را فراهم نموده ایم. از جمله این سازمان‌ها می‌توان به سازمان تأمین اجتماعی در کشور اشاره کرد. اهمیت پایداری مالی در سازمان تأمین اجتماعی از آنجا آشکار می‌گردد، که بررسی‌ها نشان می‌دهد، این سازمان در آینده نزدیک با بحرانهای مالی جدی مواجه خواهد شد. کاهش نرخ تولد از یکسو و افزایش سن افراد از سوی دیگر، منجر به افزایش چشمگیر میزان جمعیت بازنشستگان شده است. پیشی گرفتن رشد مصارف نسبت به منابع، در سازمان تأمین اجتماعی هم به عنوان چالش و هم به عنوان پیامد سایر چالشها، مشهود است. از طرفی عدم هماهنگی سیاستهای کلان و تأمین اجتماعی، موجب عدم کارایی سازمان در بلندمدت خواهد شد.

از حقوق ذی‌نفعان معزز نسبت به اصلاح برخی رویه‌های نادرست گذشته در حوزه سرمایه‌گذاری اقدام کند تا چالش ناپایداری منابع این سازمان را به‌عنوان مهم‌ترین چالش صندوق تأمین اجتماعی مدیریت کند.

در ادامه این توضیحات آمده است: «در دولت قبل برای جبران کسری نقدینگی در سازمان تأمین اجتماعی به صورتی مزمین و بی‌رویه استقراض از نظام بانکی آن هم برای پرداخت تعهدات جاری سازمان انجام شده بود. اگرچه استقراض بانکی یکی از روش‌های مرسوم و متداول برای تأمین منابع مالی است، اما این روش

بسته به شرایط، هنگامی مناسب و منطقی خواهد بود که منابع حاصله صرف سرمایه‌گذاری جدید و افزایش دارایی بنگاه شود. این در حالی است که در فاصله سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ بالغ بر ۱۰۶ هزار میلیارد تومان استقراض

انباشته برای پرداخت مستمری و سایر تعهدات جاری انجام شده بود تا سازمان تأمین اجتماعی به ابردهکار نظام بانکی تبدیل شود و این رویه نامناسب تبدیل به نوعی بیماری مزمین ناپایداری منابع گردد. قابل توجه آنکه این استقراض بی‌رویه در سازمانی که مرادوات مالی مستمری با نظام بانکی دارد؛ تبعاتی جدی در پی داشت که برای نمونه می‌توان به ایجاد محدودیت‌های جدی برای دریافت تسهیلات بانکی توسط سازمان، شرکت‌های زیرمجموعه آن و حتی بازنشستگان معزز اشاره کرد و لذا سازمان به‌صورت قانونی ملزم به پرداخت این بدهی انباشته بود. علاوه بر این، هزینه مالی این استقراض بی‌رویه که به نوعی آینده‌سوزی و آینده‌فروشی منابع صندوق محسوب می‌شود برای سازمان تأمین اجتماعی و ذی‌نفعان آن بالغ بر سالانه ۳۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده بود.

در بخش دیگری از این جوابیه در خصوص فروش دارایی صندوق هم گفته شده: «در مورد

علیرضا حیدری کارشناس مسایل تأمین اجتماعی و از فعالان با سابقه امور بیمه ای در گفت‌وگویی با خبرنگاری کار ایران با عنوان «تامین اجتماعی به جای استقراض، اموال خود را می‌فروشد» به نقد سخنان وزیر تعاون و کار پرداخته که اظهار داشته: «مدتی است که دیگر استقراض نمی‌کنیم و وضعیت مالی تأمین اجتماعی در دولت سیزدهم بهبود یافته است!» آقای علیرضا حیدری تصریح می‌کند: وزیر کار و مدیرعامل تأمین اجتماعی در هفته‌های اخیر اعلام کرده اند که این سازمان برای انجام تعهدات خود دست به استقراض از بانک‌ها

نمی‌زند و توانسته ایم از محل بیمه شدگان جدید؛ منابع جدیدی برای تأمین اجتماعی خلق کنیم. این کارشناس تأمین اجتماعی به نقل از مدیرعامل تأمین اجتماعی گفته: «مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی اعلام کرده با ورود بیمه شدگان جدید در ۲،۵ سال گذشته

۴۹ هزار میلیارد تومان منابع جدید برای سازمان ایجاد شده است. حیدری در پاسخ به این اظهارات می‌گوید: این که می‌گویند دیگر استقراض نمی‌کنیم درست است اما کاری بدتر از استقراض انجام داده اند؛ استقراض از بانک‌ها به راهبرد فعلی برای تأمین اجتماعی ترجیح دارد. اینها فروش دارایی انجام داده اند. ظرف دو سال گذشته چیزی نزدیک به ۲۰۰ هزار میلیارد تومان از دارایی‌های سازمان تأمین اجتماعی به فروش رفته و تأمین مالی سازمان از این طریق صورت گرفته است. غیر از این راه‌های دیگری را نیز در پیش گرفته اند که متأسفانه هزینه‌های بسیار بیشتر از استقراض دارد مثلاً اوراق بدهی منتشر کرده اند یا اوراق مشارکت منتشر کرده اند.

در پاسخ به این اظهارات؛ روابط عمومی سازمان تأمین اجتماعی در توضیحاتی تصریح کرده: در دولت مردمی سیزدهم، سازمان تأمین اجتماعی کوشیده است به‌عنوان امانتدار بیمه‌شدگان و بازنشستگان عزیز، ضمن صیانت

من به جنابعالی و مدیران اتوبوسی که از کمیته امداد و دانشگاه امام صادق (ع) اسباب‌کشی کرده‌ و بر خوان آماده‌نشسته‌اید، توصیه می‌کنم همان راه مدیران قبلی که استقراض است را پیش رو بگیرید، ولی آینده این سازمان بین نسلی را چوب حراج نزنید



در ادامه این نامه می‌خوانیم: در این خصوص نیز یک کارشناس حوزه رفاه و تأمین اجتماعی اخیراً طی مصاحبه ای با خبرنگاری ایلنا، به درستی به ترسیم وضعیت سازمان تأمین اجتماعی در آینده پرداخته است و بحران‌های پیش روی سازمان تأمین اجتماعی را در کوتاه مدت و بلندمدت تشریح نموده است. گویا این مصاحبه مطابق میل مدیر عامل سازمان تأمین

ها یکی از پدیده‌های رایج در طول حیات اقتصادی آنها بوده است، تصریح شده: باید توجه داشت که این اقدامات پیشگیرانه در صورتی موثر خواهند بود که عقلانی و با توجه به منافع سازمان، مجموعه‌های تحت مدیریت، جامعه هدف و ذینفعان باشند. و اگر چنین نباشد شاید در کوتاه مدت شاهد بهبود بحران‌ها و کنترل آن‌ها باشیم، اما مقدمات و بستر نابودی

رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری به اظهارات تامین اجتماعی پاسخ داد؛ آینده سازی یا آینده فروشی در سازمان تأمین اجتماعی



اجتماعی واقع نشده است و اکنون شاهد تکاپویی تحت عنوان پاسخگویی در قالب جوابیه از ناحیه این سازمان هستیم. در ابتدا باید خرسندی خود را از اینکه بالاخره پس از دو سال، دود بسیار ضعیفی از دودکش سازمان تأمین اجتماعی خارج شد، اعلام نمایم. سپس به جامعه کارگری شاغل و بازنشسته تحت پوشش این سازمان اعلام کنم که آیا دقت کرده‌اید که سازمان تأمین اجتماعی در مقابل دستگاه‌های دولتی مانند سازمان برنامه و بودجه، وزارت بهداشت، وزارت اقتصاد و دارایی زبان در کام کشیده است و حاضر به ابراز وجود هم نیست. یا دقت کرده‌اید در مقابل مجلس سپر افکنده و حاضر به دفاع از منافع سازمان تأمین اجتماعی که نیست، حتی معاونت پارلمانی را هم منع می‌کند تا

خود را از نهاد ریاست جمهوری دانسته و بر این اساس به جای دفاع از سازمان و جایگاه آن، خود را مقید به پیاده کردن منویات دولت کابینه دولت می‌داند. به همین خاطر است که می‌بینیم حتی یک خط جوابیه و بیانیه نسبت به این همه کم لطفی دولت و مجلس به سازمان تأمین اجتماعی از ناحیه مدیریت آن صادر نمی‌شود. اما در پاسخ به یک مصاحبه با مضمون اینکه که اگر سازمان با این دستورالعمل و خوش خیالی و غوطه ور بودن در رویا، مدیریت شود ما آینده آن را چوب حراج زده ایم و سازمان تأمین اجتماعی را ندانسته به مسلخ می‌بریم. پاسخی تند از مدیریت را تحت عنوان "سازمان تأمین اجتماعی بحث فروش اموال سازمان تأمین اجتماعی را «خلاف واقع» خواند" را شاهد هستیم. سوال



در دفاع از سازمان تأمین اجتماعی در برنامه هفتم توسعه تحرک و دفاعی نداشته باشد. چه دلیلی دارد که مدیرعامل محترم سازمان تأمین اجتماعی اینگونه بی‌تفاوت است و در دفاع از سازمان، خود را اینگونه در بی‌تفاوتی محض قرار داده است؟! به نظر یک دلیل بیشتر ندارد و آن هم تابع محض دولت بودن است. زیرا میز و جایگاه

این است که آیا آنچه که در این مصاحبه از ناحیه یک فرد مطلع عنوان شده است، خلاف واقع است؟ آیا فروش و واگذاری پتروشیمی سازمان به بانک رفاه خلاف واقع است؟ آیا فروش املاک و اموال فراوانی که طرف این دو سال اتفاق افتاده است خلاف واقع است؟ آیا دارایی فروشی که برای جبران کسری بودجه با مجوز اتفاق افتاده است، خلاف واقع است؟

اموال سازمان تأمین اجتماعی، آینده فروشی کردید و هیچ دستاوردی نیز نداشتید. این در حالی است که مدیریت قبلی سازمان اگر هم استقراض کرد، توانست با دو مرحله اجرای متناسب سازی و یک مرحله کمک هزینه شب عید، شادی حداقلی را به کانون سرد خانواده‌های بازنشستگان منتقل نماید. اما عملکرد شما چگونه بوده است؟ آیا با فروش این همه اموال و دارایی سازمان احساس می‌کنید عملکرد شما قابل قبول بوده است؟ آیا کوچک‌ترین امتیازی را که حوزه صندوق‌های کشوری و لشکری برای بازنشستگان فراهم آورده‌اند، برای بازنشستگان تحت پوشش

این در حالی است که مدیرعامل در تمام گزارشات از عدم استقراض در دوران مدیریت خود یاد و بر آن افتخار می‌کند. سوال این است جناب آقای مدیرعامل این ماهیانه ۵۷۰۰ میلیارد تومان کسری بودجه را از کدام منابع تأمین می‌کنید؟ مگر جز با فروش اموال و سهام، آینده فروشی نیست؟ به نظر شما ارزش دارایی‌هایی که در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ فروخته‌اید، امروز همان است؟ آیا می‌توان با همان پول، سهام پتروشیمی شازند اراک را مجدداً خریداری نمایید یا با همان پول امروز می‌توانید

املاک و مستغلات را مجدداً خریداری و به سازمان برگردانید؟ قطعاً خیر؛ با چندین برابر آن پول هم قادر به بازگرداندن اموال از دست رفته سازمان نخواهید بود. به نظر شما مدیرعامل محترم سازمان، استقراض از بانک مرقون به صرفه است یا آینده را به فروش گذاشتن؟ آیا عقل سلیم استقراض را توصیه می‌کند یا اموال و دارایی فروشی را؟ قطع به یقین استقراض از بانک را. مگر اینکه عقل ممیزی در ماورای موضوع آینده فروشی قرار گرفته باشد، که ظاهر قضیه نیز این گونه به نظر می‌رسد.

در بخش دیگری از این نامه می‌خوانیم: جناب مدیرعامل این افتخار نیست که شما سرمایه‌ای را که طی ۴ دهه با ممارست توسط مدیران عامل قبلی و دیگران مانند مرحوم غرضی، استاد دکتر کرباسیان و... در قالب طلب از دولت گرفته شده یا در قالب تبصره ۸۲ نخست وزیری به دست آمده امروز هزینه کنید و بر آن هم افتخار نمایید و به آن هم بسنده نکنید. سپس در مقابل یک مصاحبه دلسوزانه اینگونه برآشفته شوی و پاسخی را ارائه نمایی که از ناحیه ما بازنشستگان و بیمه شدگان توجیه ناپذیر و غیر قابل پذیرش تلقی می‌شود. جناب آقای دکتر موسوی شما با فروش

سازمان تأمین اجتماعی فراهم آورده‌اید؟ اگر فراهم کرده‌اید، لطف بفرمایید گزارش آن را به جامعه هدف ارائه دهید.

در بخشی از این جوابیه سازمان آمده است که در فاصله سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ بالغ بر ۱۰۶ هزار میلیارد تومان استقراض انباشته برای پرداخت مستمری و سایر تعهدات جاری انجام شده بود. برادر گرانقدر، مدیرعامل محترم سازمان تأمین اجتماعی، شما که طی مدت دو سال به روایتی ۱۸۰ هزار میلیارد تومان از دارایی‌های سازمان را فروخته و به روایتی دیگر ۲۲۰ هزار میلیارد تومان از آینده سازمان را از بین برده‌اید. آن هم دارایی‌هایی که با چندین برابر آن سرمایه‌ها، هم اکنون غیرقابل برگشت به سازمان هستند. حال به نظر شما انصافاً کدام یک قابل دفاع می‌باشد؟ استقراض یا فروش اموال و دارایی‌ها؟ شما خودتان قضاوت کنید.

در پایان من به جنابعالی و مدیران اتوبوسی که از کمیته امداد و دانشگاه امام صادق(ع) اسباب کشی کرده و بر خوان آماده نشسته‌اید، توصیه می‌کنم همان راه مدیران قبلی که استقراض است را پیش رو بگیرید، ولی آینده این سازمان بین نسلی را چوب حراج نزنید.

اگر سازمان با این دستورالعمل و خوش خیالی و غوطه ور بودن در رویا، مدیریت شود ما آینده آن را چوب حراج زده ایم و سازمان تأمین اجتماعی را ندانسته به مسلخ می‌بریم

رضایت از زندگی !!

با ناراحتی احساسی آنان تشدید شده بود. سومین درس بزرگی که ما درباره‌ی روابط و سلامتی مان آموختیم، این بود که روابط خوب فقط از جسم ما محافظت نمی‌کند بلکه از مغزمان هم محافظت می‌کند. مشخص شده که داشتن یک رابطه‌ی وابسته‌ی امن با یک فرد دیگر در هشتادسالگی، محافظت‌کننده است و افرادی که در رابطه هستند، جایی که واقعا احساس کنند در زمان نیاز می‌توانند روی طرف مقابل حساب کنند، حافظه این افراد، طولانی‌تر و قوی‌تر می‌ماند و افرادی که در رابطه‌ی خود احساس می‌کنند نمی‌توانند در زمان نیاز به فرد دیگری تکیه کنند، از دست دادن حافظه را زودتر تجربه می‌کنند و «روابط خوب» آنان در همه‌ی ایام مناسب نبوده است. تعدادی از زوج‌های هشتادساله‌ی ما می‌توانستند همیشه با هم جر و بحث کنند اما تا زمانی که واقعا می‌توانستند روی همدیگر حساب کنند، دیگر این مشاجرات برای حافظه‌ی آنان عوارضی نداشت. پس این پیام که روابط نزدیک خوب برای سلامتی و آسایش ما خوبند، بینشی است که قدمتی به اندازه‌ی کوه‌ها دارد! پس چرا فهمیدن آن اینقدر سخت و رد کردن آن اینقدر راحت است؟ چون ما انسانیم و چیزی که ما واقعا دوست داریم یک اصلاح سریع است؛ چیزی که به دست آوردن آن زندگی ما را بهبود ببخشد و آن را به همان شکل حفظ کنیم. روابط، پیچیده و گیج‌کننده‌اند و کار سخت رسیدگی به خانواده و دوستان، جذاب و فریبنده نیست؛ کاری مادام‌العمر است و تمام‌شدنی نیست.

ما برای داشتن تصویر روشنی از زندگی افرادی که از زندگی راضی و خوشنود بودن فقط به فرستادن پرسشنامه برای افراد مورد مطالعه خود اکتفا نکردیم، بلکه در اتاق نشیمنشان با آنان مصاحبه کردیم. سوابق پزشکی آنان را از دکترشان گرفتیم، از آنان آزمایش خون گرفتیم، مغزشان را اسکن کردیم و با فرزندانشان صحبت کردیم. هنگامی که آنان با همسرشان درباره‌ی عمیق‌ترین نگرانی‌هایشان صحبت می‌کردند تصویرشان را روی نوار ویدئو ضبط کردیم و ۱۰ سال پیش که از همسرانشان خواستیم به پژوهش ما ببینند، خیلی از آنها گفتند «میلونی؟ دیگه دیره!»

خب ما چه چیزی آموختیم؟ از صدها هزار برگه اطلاعاتی که راجع به این زندگی‌ها جمع کردیم چه درس‌هایی گرفتیم؟ راستش این درس‌ها درباره‌ی ثروت، شهرت یا سخت‌تر و سخت‌تر کار کردن نیست!

روشن‌ترین پیامی که ما از این مطالعه‌ی هفتاد و پنج‌ساله گرفتیم این است: روابط خوب، ما را شادتر و سالم‌تر نگه می‌دارد. x ما سه درس بزرگ درباره‌ی روابط بدست



بخش دوم

آوردیم

اول اینکه روابط اجتماعی واقعا برای ما خوب است و تنهایی کشنده است. به نظر می‌رسد افرادی که اجتماعی‌تر هستند، بیشتر با خانواده، با دوستان و با اجتماع در ارتباطند، شادتر و از نظر فیزیکی سالم‌ترند و نسبت به کسانی که کمتر با دیگران ارتباط می‌گیرند، عمر طولانی‌تری دارند. همچنین مشخص شد که تجربه‌ی تنهایی، تجربه‌ای زهرآگین است. کسانی که بیش از آنکه بخواهند از دیگران جدا شده‌اند، متوجه می‌شوند که کمتر از دیگران شادند و سلامتی آنها در میان‌سال‌ی زودتر به خطر می‌افتد. عملکرد مغز آنان زودتر تنزل پیدا می‌کند و نسبت به کسانی که تنها نیستند، زندگی کوتاه‌تری دارند. و واقعیت غم‌انگیز این است که در هر دوره‌ای از زمان بیش از یک‌پنجم آمریکایی‌ها از تنهایی خود خبر می‌دهند.

همه‌ی دانی که در یک جمع هم می‌شود تنها ماند و حتی ممکن است در یک رابطه‌ی زناشویی هم تنها بود!

دومین درس بزرگی که آموخته‌ایم این

اگر از یکدیگر نترسیم ...

اینکه مکرر شویم آنگاه خواهیم توانست به یکدیگر «نه» بگوییم بدون اینکه نگران تکرار خاطر هم باشیم.

اگر از کلماتی چون عالیجناب، سرکار عالی، سرکار علی، حضرت‌عالی و عظما برای خطاب دیگران و از کلماتی چون فدوی، جان نثار، بنده، حقیر برای خودمان استفاده نکنیم، احساس نامطلوب «نابرابری» و همچنین احساس کاذب «برتری و کهنتری» در جامعه کاهش خواهد یافت.

اگر از عناوین دکتر، مهندس، استاد و ... به خصوص در مکان‌های عمومی پرهیز کنیم، نه تنها «احساس حقارت» در فاقیدن

خوب و موفقیت‌های یکی، چماقی برای تحقیر و کوچک نمودن دیگری نسازیم، احساس مخرب «حسادت» از بین می‌رود و «خیرخواهی» جای «بدخواهی» و تنگ نظری را می‌گیرد.

اگر خدمت و محبت‌مان به دیگران نه به خاطر «رودربایستی» یا به دلیل انتظاری که از ما دارند، بلکه از روی محبت صادقانه و خودخواسته باشد، هم «توقع جبران» در ما بوجود نمی‌آید و هم در صورت جبران نشدن، احساس نامطلوب «مورد سوء استفاده قرار گرفتن» در ما به وجود نخواهد آمد.

اگر بتوانیم از یکدیگر «نه» بشنویم بدون

اگر در برابر اشتباهاتی که از دیگران سر می‌زنند واکنش‌های تند و خشونت‌بار از خود نشان ندهیم، عمل ناپسند «توجیه اشتباهات» و یا «به گردن دیگری انداختن» آن در جامعه کاهش می‌یابد.

اگر قبول اشتباه اشخاص را حمل بر حقارتشان نکنیم، عمل نیکوی «پذیرش خطا» و «عذرخواهی برای آن» در جامعه رواج می‌یابد.

اگر مبنای تربیت فرزندانمان را نه بر دیدن نقاط ضعف و سرزنش، بلکه بر دیدن نقاط قوت و تشویق قرار دهیم و آنها را با یکدیگر «مقایسه» نکنیم، یعنی از صفات

ظاهره شیخ الاسلام

اگر از یکدیگر نترسیم، به هم «دروغ» نمی‌گوییم، وقتی دروغ ننگیم، اعتماد در جامعه به وجود می‌آید، وقتی اعتماد بوجود آمد، «مبالغه کردن» و «قسم خوردن» نیز منسوخ خواهد شد.

اگر از هم نترسیم «شهامت انتقاد کردن» و «قدرت انتقاد شنیدن» را پیدا می‌کنیم، یعنی هم به مشکلات و ضعف‌هایمان واقف می‌شویم و هم عمل زشت «غیبت کردن» در جامعه کاهش می‌یابد. (حرف‌هایی را که چون جرات نمی‌کنیم رو در رو بگوییم در پشت سر می‌گوییم).

حمله قلبی چیست:

حمله قلبی عامل اول مرگ و میر در ایران است. از آنجاکه اکثر این مرگ و میرها به دلیل بیماری‌های کرونری قلبی می‌باشند، آگاهی درمورد حمله قلبی بسیار مهم است. برای مثال آگاهی شما درمورد علائم هشداردهنده حمله قلبی باید زیاد باشد، چراکه شما را در کمک به خودتان و نزدیکانتان توانمند تر می‌کند. واکنش و عملکرد سریع باعث نجات بسیاری از زندگی‌ها می‌شود. برخی از حملات قلبی ناگهانی و شدید هستند. اما اکثر آنها به آهستگی آغاز می‌شوند و با درد و ناراحتی خفیف همراه می‌باشند. در این قسمت برخی از علائم حمله قلبی ذکر می‌شود:

- ۱- احساس ناراحتی، فشار، پری یا درد در مرکز قفسه سینه که بیش از چند دقیق به طول انجامیده یا رفع شده و دوباره برگردد.
- ۲- احساس درد یا ناراحتی در یک یا هر دو بازو، پشت، گردن، فک یا معده.
- ۳- تنگی نفس یا بدون احساس ناراحتی در قفسه سینه.
- ۴- سایر علائم مانند تعریق سرد، تهوع یا سبکی سر، اگر شما یا یکی از همراهمان دچار ناراحتی در قفسه سینه می‌باشید، بخصوص یک یا تعداد بیشتری از علائم ذکر شده را دارید، بیش از ۵ دقیقه تا درخواست کمک صبر نکنید. با ۱۱۵ یا مراکز اورژانس پزشکی منطقه خودتان (مراکز آمبولانس ...) تماس بگیرید و یا این که فردا مستقیماً به بیمارستان برسانید.

چه چیزی سبب حمله قلبی می‌شود.

یک حمله کرونری (حمله قلبی) زمانی رخ می‌دهد که جریان خون به ناحیه ای از قلب قطع می‌شود (اغلب توسط یک لخته خون) این حالت اغلب به این دلیل رخ می‌دهد که سرخ‌رگ‌های تامین‌کننده خون عضلات قلب به دلیل رسوب چربی، کلسترول و سایر مواد که پلاک نامیده می‌شود، بتدریج ضعیف تر، سفت تر و تنگ تر می‌شوند. اگر پلاک جدا شود و لخته خون تشکیل گردد، جریان خون دچار انسداد شده و حمله قلبی رخ می‌دهد. بنابراین کم‌کم عضله قلبی که توسط رگ مزبور خون‌رسانی می‌شود می‌میرد هرچه که مدت زمان انسداد سرخ‌رگ طولانی‌تر باشد آسیب بیشتر می‌شود.

زمانی که عضله قلبی بمیرد، آسیب قلبی دائمی خواهد شد.

چگونه فردی که دچار حمله قلبی شده می‌تواند بهبود پیدا کند

ممکن است شما بسته به شدت حمله قلبی، تنها چندروز در بیمارستان بستری شوید.

- ۱- از همین امروز ایجاد تغییر در شیوه زندگی خود را جهت کاهش دادن میزان خطر بروز مجدد حمله قلبی را شروع نمایید. غذاهای سالم مصرف نمایید، تحت نظر پزشک معالج از لحاظ جسمانی فعال باشید و در صورتی‌که از دخانیات استفاده می‌کنید آن را ترک نمایید.
- ۲- از پزشک یا پرستار خود درمورد چگونگی داشتن یک زندگی طبیعی تاحد ممکن، سؤال کنید، و هر سیدکه شما چه موقع می‌توانید به سرکار خود برگردید، رانندگی کنید و یا رابطه جنسی داشته باشید و اینکه اگر احساس ناراحتی در قفسه سینه نمودید، چه کاری باید انجام دهید. آنها می‌توانند به پرسش‌های شما پاسخ داده و مطالب دیگری را

نیز توضیح دهند. به یک برنامه بازتوانی قلبی در منطقه خود ببینید.

چگونه می‌توانیم از حمله قلبی پیشگیری کنیم:

حتی اگر شما در حال حاضر مبتلا به بیماری قلبی می‌باشید، اقدامات زیادی جهت کمک به افزایش سلامتی قلبی‌تان وجود دارند. از پزشک و تیم پزشکی خود کمک بخواهید، شما می‌توانید اهدافی را تعیین نمایید که بواسطه آن‌ها میزان خطر حمله قلبی مجدداً کاهش می‌یابد.

- ۱- سیگار نکشید و از افراد سیگاری دوری نمایید.
- ۲- در صورت بالابودن فشارخونتان آن را درمان نمایید.
- ۳- از یک رژیم غذایی سالم حاوی مقادیر پایین چربی اشباع شده، چربی ترانس، کلسترول و نمک استفاده کنید.
- ۴- دست‌کم ۳۰ دقیقه در بیشتر یا تمامی روزهای هفته ورزش نمایید.
- ۵- وزن خود را در سطح سالمی حفظ نمایید.
- ۶- پزشک خود را به شکل منظمی ملاقات نمایید.
- ۷- داروهای خود را درست و مطابق دستور پزشک مصرف نمایید.
- ۸- اگر مبتلا به دیابت (قند خون) هستید آن را کنترل نمایید.

شما می‌توانید به پیشگیری از حمله قلبی کمک کنید اگر به توصیه زیر عمل نمایید. شما باید فشار خونتان را کنترل کنید، اگر سیگاری هستید سیگار را قطع نمایید، غذاهای سالم مصرف نمایید، ورزش کنید و علائم هشدار دهنده حمله قلبی را حتماً بیاموزید.

گردآوری توسط سردبیر

گفت‌وگوی صریح ماهنامه " اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری " با یک عضو شورای عالی کار:

مصوبه مزد ۱۴۰۲ با روح قانون نمی خواند!

شورای عالی کار مکلف به ترمیم مزد است



دادنهایتا با این روش مزد را به تصویب رساندند. البته در جلسات هم مرتباً قول می دادند که چون دستمزد تورم انتظاری ایجاد می کند و به تبع آن قیمت کالا و خدمات افزایش پیدا می کند ما حقوق را کم می کنیم و از طرفی هم قول می دهیم که تورم را کنترل کنیم و آن را ثابت نگه داریم علت افزایش تورم سال ۱۴۰۰ حذف ارز ترجیحی بوده که امسال دولت این برنامه را ندارد. و قیمت ارز ثابت باقی می ماند و تورم نخواهیم داشت. بنابراین تصویب دستمزد به این شکل کار درست و مناسبی است. از طرفی پس از گذشت مدت کوتاهی ما الان هم نرخ ارز را با ثبات نمی بینیم و هم نرخ تسریع برای پالایشگاهها و فولادی ها و پتروشیمی ها از ۲۷ هزار تومان به ۳۸ هزار تومان افزایش پیدا کرده است، که این خود باعث افزایش تورم شده و هم حقوق کارمندان دولت

گفت‌وگو: سید مجتبی قریشیان
آقای محسن باقری یکی از نمایندگان محترم کارگران در شورای عالی کار است که سوابق دانش ایشان در مباحث مربوط به حوزه های کار و کارگری، دارای دیدگاه هایی روشن در اقتصاد کار و کارگری و تولید هستند. در این شماره از ماهنامه " اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری " گفت‌وگویی مبسوط را با این عضو شورای عالی کار داشتیم که از نظر خوانندگان گرامی می گذرد:
مایلم نظر شما را در خصوص مزد ۱۴۰۲ بدانیم؟
شورای عالی کار بر اساس قانون وظیفه دارد که همه ساله دستمزد کارگران را تعیین نماید و این مهم یکی از قواعد آمره قانون کار می باشد. در حقیقت کارگران برنامه مالی خودشان را بر اساس مصوبه شورای عالی کار تنظیم نموده و امورات زندگی خودشان را سپری می کنند. از این نظر تعیین دستمزد توسط این شورا برای کارگران خیلی حیاتی است. در حقیقت برنامه های مالی کارگران در آنجا به تصویب می رسد. در مورد تعیین بعد خانوار و میزان کالری مورد نیاز افراد خانواده (تعیین سبب هزینه خانوار) زحمات زیادی کشیده شد. در مورد بررسی وضعیت

نمایندگان بخش اطاق بازرگانی بودند و نمایندگان از انجمن کارفرمایان حضور داشتند اینها همه در مقابل گروه کوچک و ضعیف کارگری صف آرایی کرده بودند. حتی اگر هیچ کدام از نمایندگان گروه

بر جلسات شورای عالی کار، فضای بسیار یکجانبه و سرد و بی روحی حاکم بود. این شورای عالی کار به هیچ عنوان شکل گذشته را نداشت و فضای سنگینی بود. جلسات شورای عالی کار در صبح گاه روز شنبه شروع شد و در آن جلسه گروه کارگری تحت فشار قرار داشت. با فراز و نشیب های زیادی در حدود ۱۳ الی ۱۴ ساعت جلسه نهایتاً سبد ۱۳۰۹۰۰۰۰۰ ریال را به تصویب رساندند. گروه کارگری هم به امید اینکه وزیر کار به قول خود مبنی بر اینکه اگر این سبد به تصویب برسد، ما از کارگران حمایت خواهیم کرد، آن را پذیرفت.

مهار کنید. چون خودتان با برنامه و انضباط مالی جلو نیامده اید و بی برنامه هستید. شما وقتی که در هزینه هایتان ۶۰ درصد افزایش داشته باشید و درآمد هایتان هم مشکوک به نظر می رسد و قطعی نیست و نهایتاً روی ۷۰٪ از درآمد هایتان می توانید حساب کنید. شما با این سیاست مالی و پولی که اتخاذ کرده اید قطعاً تورم حداقل ۳۰٪ را به جامعه تحمیل خواهید کرد. ضمن اینکه عوامل دیگری مثل نرخ دلار که تاثیر مستقیم و فوق العاده ای روی قیمت کالا دارد، نیز در ایجاد تورم نقش به سزایی دارد. علی رغم اینکه صنایع مختلف از ارز یارانه ای استفاده می کنند و لسی اکثراً را به قیمت دلار بر اساس نرخ فوب خلیج فارس محاسبه می کنند و با آن قیمت، آن را به مصرف کننده می فروشند. در حقیقت درآمد های ما ریالی است و هزینه های ما بر اساس دلاری می باشد. ما بارها و بارها این مسائل را گفتیم ولی کسی گوش نکرد. و ما هم هیچ وقت از گفته های آنها قانع نشدیم. همانطوری که بند ۲ ماده ۴۱ قانون کار اشاره می کند، دستمزد باید بدون در نظر گرفتن شرایط فیزیکی و نوع کار بگونه ای تعیین شود که یک خانوار با بعد استاندارد را تامین کند. یعنی به جنسیت و نوع شرایط کار بستگی ندارد. و حداقل دستمزد تعیین شده باید حداقل های یک زندگی قریب به ۴ نفر را پوشش دهد. این حقوق تعیین شده اصلاً تامین کننده حداقل هزینه های زندگی با بعد استاندارد نیست. در آن جلسه به تنها چیزی که توجه نمی شد بحث عدد و ارقام واقعی و کار کارشناسی بود. بحث کار کارشناسی در آنجا محلی از اعراب نداشت دولت آمده بود تا به نظر خودش عمل کند. دولت با دستتانی خشک و خالی آمده بود تا چیزی ندهد. آنجا یک لشکر کشی بزرگی صورت گرفته بود. دولت با کارفرماهای کوچکتر از خودش که همان

تورم و دستمزد و بررسی رابطه بین دستمزد و سایر پارامترها مثل قیمت دلار... مادر خصوص همه موارد ذکر شده مطالعات و بررسی های لازم را انجام داده بودیم و با دست پر درآمدات حاضر شدیم. سبب معیشت به مبلغ ۱۸۷۹۰۰۰۰۰ ریال توسط کارگروه مزد شوراهای اسلامی کار کشور استخراج شده بود. کمک حال ماهم کارشناسان کمیته مذکور بودند که شامل کارشناسان، آمار و تغذیه بودند. یک تیم کارشناسی این عدد را استخراج کرده بود. و ما در جلسات شورای عالی کار تاکید کردیم که هر عدد دیگری به تصویب برسد جامعه کارگری مخالف آن خواهد بود. ما خواسته های خود را به روشنی بیان کردیم. بیش از ۷ جلسه کارشناسی در کارگروه مزد انجام شد از سویی آنان دو عدد ۹ میلیون و ۱۰۱ میلیون را در مورد سبب معیشت تحمیل کردند و با آمار و عدد سازی قصد داشتند که این سبد را در راستای ارزان سازی نیروی کار به تصویب برسانند. ما به شدت مخالف کردیم و در برخی موارد جلسه را ترک کردیم. نهایتاً به علت مقاومت و مخالفت ما در کارگروه دستمزد کشور چیزی بنام سبب معیشت تصویب نشد. بر جلسات شورای عالی کار، فضای بسیار یکجانبه و سرد و بی روحی حاکم بود. این شورای عالی کار به هیچ عنوان شکل گذشته را نداشت و فضای سنگینی بود. جلسات شورای عالی کار در صبح گاه روز شنبه شروع شد و در آن جلسه گروه کارگری تحت فشار قرار داشت. با فراز و نشیب های زیادی در حدود ۱۳ الی ۱۴ ساعت جلسه نهایتاً سبد ۱۳۰۹۰۰۰۰۰ ریال را به تصویب رساندند. گروه کارگری هم به امید اینکه وزیر کار به قول خود مبنی بر اینکه اگر این سبد به تصویب برسد، ما از کارگران حمایت خواهیم کرد، آن را پذیرفت. این دستمزد بر ما تحمیل شد. آنها به صراحت اعلام کردند که اگر امضا نکنید ما دستمزد را بطور یکجانبه ابلاغ خواهیم کرد و نیازی به تصویب و امضای گروه کارگری هم نداریم. با این وضعیت گروه کارگری علی رغم برگزاری ۲ جلسه طولانی ۱۴-۱۵ ساعته و ترک جلسه طی ۲ مرحله تن به امضاء مصوبه دستمزد

مصوبه مزد مغایرت بسیار آشکاری با قانون دارد از طرفی هم نمایندگان دولت چندین بار مدعی شدند که می خواهند تورم را کنترل کنند. با سیاست های اتخاذ شده پرواضح بود که تورم کنترل شدنی نیست

۴۰۰ الی ۷۰۰ هزار تومان در فروردین و اخیراً هم یک میلیون تومان افزایش پیدا کرده است که جمعا ۱۷۰۰۰۰۰۰ هزار تومان به حقوق کارمندان دولت اضافه شده و کارگران از آن محروم هستند. در این رابطه دولت قول داده بود چنانچه حقوق کارمندان خودش را اضافه کند به تبع آن حقوق کارگران را هم اضافه کند. از طرفی تورم کنترل و کم نشده است و با افزایش قیمت های انواع خوراکی ها و خدمات مواجه هستیم، خصوصاً در بحث خوراکی ها و همچنین در بحث مسکن با تورم مواجه هستیم نرخ ارز هم ثابت نبوده است. یعنی ۳ موه لفته ای که دولت قول داده بود که ثابت نگه خواهد داشت و کنترل خواهد کرد، عملیاتی نکرده و به قولش عمل نکرده است؛ با زنگری دستمزد نه تنها الان خواسته ما است بلکه جزء و اجباتی است که باید حتماً انجام بگیرد. الان برای اینکه جامعه کارگری بتواند سرپا بماند و بندنه تولید باقی بماند و کارگران بتوانند امرامعاش کنند، حتماً باید ترمیم دستمزد صورت بگیرد.

مصوبه مزد مغایرت بسیار آشکاری با قانون دارد از طرفی هم نمایندگان دولت چندین بار مدعی شدند که می خواهند تورم را کنترل کنند. با سیاست های اتخاذ شده پرواضح بود که تورم کنترل شدنی نیست کمی برایمان توضیح بدهید چطور فضای حاکم بر شورای عالی کار به این سمت پیش رفت که شما تن به امضاء این مصوبه ی غیرقانونی دادید.

همه اقتصاد دانان می دانند که تورم حاصل بی برنامه گی دولت است و اگر انضباط مالی داشته باشد تورم وجود نخواهد داشت. دولت برای اینکه هزینه های خودش را تامین کند دست اندازی به جیب ملت می کند. در حقیقت از جیب فقرا برای جیب ثروتمندان خرج می کند. مابه التفاوت ریخت و پاش کردن های دولت حاصلش تورم می شود، که هزینه

همسان سازی حقوق بازنشستگان؛

اما واگرهایی که تمامی ندارند؟!!



علیرضا حیدری

سازمان تأمین اجتماعی در قالب ماده ۹۶ مکلف است میزان کلیه مستمری بازنشستگی از کار افتادگی کلی و مجموعه مستمری بازنشستگان را در فواصل زمانی که حداکثر از سالی یک بار کمتر نباشد با توجه به افزایش هزینه‌های زندگی به همان نسبت افزایش دهد.

و یک از محل جز یک بند یک تبصره دو مبلغ نود هزار میلیارد تومان جهت اجرای ماده‌ی دوازده قانون برنامه ششم توسعه تخصیص یافته از این محل صرفاً هشتاد و پنج هزار میلیارد تومان در قالب واگذاری شرکت پتروشیمی شازند به سازمان پرداخت شد که سازمان آن را در راستای متناسب سازی بازنشستگان و بیمه قالیبافان هزینه کند اگر چه ترمیم حقوق مستمری بگیران با احتساب اجرای متناسب سازی تا حدودی در ابتدا رضایت نسبی ایجاد کرد ولی به دلیل تورم‌های شدید اثر این ترمیم خاصیت خود را از دست داد و امروز مطالبه مستمری بگیران استمرار متناسب سازی و حفظ قدرت خرید می‌باشد؛ موضوعی که نمایندگان مجلس به خوبی آن را درک کرده و در جهت ابقای بند ب ماده ۱۲ برنامه ششم در برنامه هفتم توسعه می‌باشد لازم به ذکر است اگر موضوع واقعی کردن مزد کارگران شاغل که در گروه مصوبات شورای عالی کار به استناد ماده ۴۱ قانون کار منطبق بر بند یک و دو ماده مذکور می‌باشد، انجام شود، اثر آن بر مواد ۹۶ و ۱۱۱ قانون تأمین اجتماعی هم خود را نشان خواهد داد و در این شرایط می‌توان امیدوار بود که وضعیت معیشت بازنشستگان و مستمری بگیران سازمان به شکل نسبی بهبود پیدا کند در غیر این صورت اجرای متناسب سازی مستمری جزو لاینفک برنامه بوده و نیاز است که مجلس یک حکم دائمی برای آن ایجاد کند.

شد از محل فروش و سود حاصل از مالکیت سهام مذکور نسبت به افزایش حقوق بازنشستگان و مستمری بگیران خود از ابتدای سال هشتاد و هشت اقدام کند. در این راستا سازمان تا سال ۱۳۹۲ احکام را بر این اساس صادر و هزینه آن را بدون تغییر در میزان ریالی همسان‌سازی اجرا می‌کرد در این سال ادامه وضع موجود را متوقف کرد، در برنامه ششم توسعه مجدداً مجلس در بند "ب" ماده دوازده تکلیف جدیدی برای سازمان ایجاد کرد. در این حکم سازمان تأمین اجتماعی موظف شد مطابق قوانین مربوطه در طول اجرای برنامه، حقوق بازنشستگان و مستمری بگیران را متناسب سازی کند. در راستای اجرای ماده بند "و" تبصره دو بودجه‌ی سال نود و نه برای اولین بار مبلغ ۳۲ هزار میلیارد تومان به سازمان تخصیص یافت تا سازمان تا مبلغ سی درصد آن را برای متناسب سازی هزینه کند که اجرای آن از مرداد نود و نه شروع شد در همین راستا در بودجه‌ی سال هزار و چهارصد جز یک بند "و" تبصره دو قانون بودجه‌ی مذکور مبلغ هشتاد و نه هزار میلیارد تومان جهت ایفای تعهدات سازمان در نظر گرفت که متأسفانه نزدیک به هفتاد هزار میلیارد آن در قالب شرکت‌ها و سهم و اگزار شد که متناسب سازی از بخشی از منابع مذکور در سال هزار و چهارصد اجرا شد در سال هزار و چهارصد

متناسب سازی و همسان سازی به روز رسانی قدرت خرید مستمری بگیرانی است که در طول زمان ارزش واقعی قدرت خریدشان کاهش یافته و قادر نیستند با مستمری فعلی زندگی در خور شان یک بازنشسته را داشته باشند؛ شاید عامل اصلی چنین رویدادی تورم افسار گسیخته ای است که به شکل مزمن در سنوات طولانی در کشور مسلط و به شکل مستمر طبقه‌ی مزدبگیر و درآمد ثابت را متاثر می‌کند. وقتی روند رشد تورم در کشور را ملاحظه می‌کنیم به این واقعیت پی می‌بریم که طی سالهای مذکور به طور متوسط دریافتی‌های ناشی از ترمیم مستمری‌ها نتوانسته است این تورم را پوشش دهد و امروز ما شاهدیم که وضعیت مستمری بگیران صندوق‌های بازنشستگی از جمله تأمین اجتماعی بسیار تاسف‌بار است بازنشسته‌ای که نزدیک به سی سال سی درصد از سهم دستمزد خود را به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت کرده است تا در این دوران بتواند از مستمری برقراری یک زندگی درخور شان خود داشته باشد، قادر نیست هزینه‌ی نیمی از ماه را پوشش دهد و مجبور است برای مدیریت هزینه، بخشی از نیازهای ضروری خود را از سبد هزینه حذف کند و این تعهدی نیست که سازمان در قالب ماده‌ی ۹۶ به مشمولین خود داده است در قالب این ماده سازمان مکلف است میزان کلیه مستمری بازنشستگی از کار افتادگی کلی و مجموعه مستمری بازنشستگان را در فواصل زمانی که حداکثر از سالی یک بار کمتر نباشد با توجه به افزایش هزینه‌های زندگی به همان نسبت افزایش دهد.

شواهد تجربی طی سال‌های طولانی کاملاً گواهی می‌دهد که ماده‌ی نود و شیش به خوبی اجرا نشده و بسیاری از سال‌ها حتی به نرخ تورم هم نزدیک نشده‌است بر این اساس قانونگذار یک بار در سال ۱۳۸۸ اقدام به همسان‌سازی مستمری بازنشستگان کرد در تبصره ۳۹ بودجه‌ی سال ۱۳۸۸ دولت مکلف شد به میزان دو هزار و پانصد میلیارد تومان از سهام قابل عرضه در بورس اوراق بهادار شرکت‌های دولتی و یا سهام دولت در سایر شرکت‌ها را به سازمان تأمین اجتماعی واگذار نماید سازمان تأمین اجتماعی در راستای همسان سازی حقوق بازنشستگان موظف

ادامه از صفحه ۷

مصوبه مزد ۱۴۰۲ با روح قانون نمی‌خواند!

می‌کند، که هر چیزی را که نماینده کارگران می‌گویند درست است و اگر این امضاء طلبی است پس چرا به خواسته‌های ما که در حوزه‌های مختلف مثل بحث آزادی تشکل‌ها و ساختار شورایی کار داریم ترتیب اثر نمی‌دهند. اگر می‌گویم که نماینده کارگران را در هیئت‌های حل اختلاف ما باید تعیین کنیم چرا دولت ممانعت می‌کند. چرا دولت در وظایف تشکل‌های کارگری و کارفرمایی دخالت می‌کند. تمام ادارات کاردارند تلاش می‌کنند که فشار می‌آورند که نمایندگان گروه‌های دیگر را علاوه بر دولت آنها انتخاب کنند، و در این خصوص به حق کارگران و کارفرمایان دست اندازی می‌کنند. آنها همواره در حال اعمال فشار بر نمایندگان و تشکلات هستند تا نظر خودشان را اعمال کنند، و به اصل ۳ جانبه‌گرایی اهمیت نمی‌دهند. بحث مطرح شده امضاء نمایندگان کارگران پای مصوبه شورایی کار به نظر من یک دستاویز است و این قانونی و شرعی و عرفی نیست.

در پایان اگر مطلبی ناگفته مانده بفرمایید؟

بازنگری دستمزد که خواست جامعه کارگری است، باید به صورت پررنگ بازتاب داشته باشد. اگر امنیت سلامت و روان افراد و مرزها برای کشور مهم است، امنیت معیشتی و رفاهی نیز برای کارگران بسیار مهم‌تر است و ضروری به نظر می‌رسد، و این اولویتی است که رهبران انقلاب بارها به آن اشاره و آن را مطرح کرده است، از سال ۵۷ تا به امروز به ویژه از سال گذشته تا به امسال رهبری در خصوص امنیت شغلی و رفاه و معیشت کارگران بارها و بشدت بر آن تأکید داشته‌اند. دولت واقعا مکلف است که سیاست‌های مالی و اعتباری و پولی را به سمتی هدایت کند که به نفع جامعه کارگری و کم‌برخوردار باشد. دولت باید واقعا در این خصوص اهتمام داشته باشد و سیاست‌هایش را به این سمت سوق دهد. باید توجه داشته باشیم که دستمزد مهمترین بحث اقتصادی است و اصلی‌ترین خواست کارگران ترمیم دستمزد می‌باشد. کارگران بابت کاری که انجام می‌دهند و پیرایش وقت می‌گذارند، باید یک دستمزد منصفانه و عادلانه دریافت کنند.

را دارد از آن انتظاری رود، که در مذاکرات تعیین دستمزد منویات رهبر انقلاب و معیشت کارگران را مد نظر قرار دهد.

آیا امیدی به ترمیم دستمزد سال جاری هست؟

بله قطعاً! باید در جلسه آتی شورایی کار که قرار است بزودی تشکیل شود ترمیم دستمزد در دستور کار قرار گیرد بر اساس مذاکرات انجام گرفته در شورایی کار دولت تکلیف دارد که این کار را انجام دهد، مبنای هم همین بوده است که هر مبلغی را که دولت به حقوق کارکنانش اضافه کند باید آن را برای کارگران هم در نظر بگیرد. این تکلیف و قول دولت است. اگر بخواهد خلف وعده کند خودش می‌داند و بد قولیش به ملت و جامعه کارگری، ولی قولی را که داده است، باید حتماً و در جلسه آتی مطرح شود و دولت به قولش عمل کند... این خواست جامعه کارگری است و وزیر کار مکلف است که آن را انجام دهد.

دیوان عدالت اداری شکایت کارگران و بازنشستگان را رد کرده و استناد به این کرده که شرکای اجتماعی مصوبه را امضاء کرده‌اند نظر جناب عالی در این خصوص چیست؟

اگر ما اعتقادی به خلاف قانون بودن مصوبه دستمزد ۴۰۲ شورایی کار نداشتیم، خودمان دادخواست به دیوان عدالت اداری ارائه نمی‌کردیم. تشخیص داده شد که مصوبه ای خلاف قانون صادر شده است، چون به مرقانون عمل نشده است. کارگران پناه به دیوان عدالت می‌برند و دیوان می‌خواهد که این نهاد تصمیم‌گیر را موظف کند تا بر اساس قانون تصمیم بگیرد. این برهنگان واضح و مبهره است شورایی کار، از مسئولیتی که برعهده اش بوده است تخطی کرده و به وظیفه اش عمل نکرده است. این موضوع به دیوان عدالت ارجاع شده است. اما دیوان کوتاهترین راهی را که انتخاب کرد، و بهترین دستاویزی که می‌توانست داشته باشد این بود که نمایندگان کارگران، مصوبه را امضاء کرده‌اند، بنا بر این خلاف قانون نیست. در حقیقت اگر واقعا به امضاء نمایندگان کارگر بھامی دهند و به آن استناد می‌کنند، یا اینکه این امضاء خالی از اشتباه است و این تلقی را ایجاد

در بخش اول صحبت‌های خودتان اشاره کردید که دولت حقوق کارمندان خودش طی ۲ مرحله جمعاً یک میلیون و هفت صد هزار تومان افزایش داده است از طرفی هم وزیر کار در جلسه شورایی عالی کار قول داده بود که اگر حقوق کارمندان دولت افزایش پیدا کند ما حقوق کارگران را افزایش می‌دهیم با این تفصیلات در جلسه آتی شورایی کار امید به افزایش دستمزد امسال وجود دارد؟

بله این گفته وزیر کار هم در مذاکرات تعیین دستمزد موجود است همچنین در همان روز بعد از تصویب دستمزد در مصاحبه آقای خدایی هم اعلام کردند که آقای وزیر چنین قولی را داده است. خود وزیر کار هم بعد از جلسه ای که در هیئت دولت داشتند و مصوبه حق مسکن را ابلاغ کردند. در گفتگوی خبری خودش این مطلب را اعلام کرد، که اگر دولت برای کارکنان خودش افزایش حقوقی داشت آن را برای کارگران نیز اعمال می‌کند، فیلم آن قطعا در آرشیو صدا و سیما وجود دارد. ما هم علی‌رغم اینکه ارتباطی بین دستمزد کارکنان دولت و گروه کارگری نمی‌بینیم، چون روند تعیین دستمزد کارگران سازوکار خودش را دارد و این ۲ فرایند، کاملاً متفاوت است. علی‌رغم اینکه ما این را قبول نداریم و به آن اعتقاد نداریم ولی با توجه به قول آقای وزیر کار، ما آن را پیگیری می‌کنیم وزیر کار بعنوان نماینده و سخنگوی دولت در این قضیه مکلف است که به وعده ای که داده است عمل کند، و این جلسه را سریعاً تشکیل دهد و به نسبت همان چیزی که به حقوق کارکنان دولت اضافه شده دستمزد کارگران هم ترمیم شود. انشا... در مذاکرات مزدی سال آینده که در چشم به هم زدنی شروع خواهد شد، و طی ۱۲ ماه آینده باید برویم به سمت تعیین سبد هزینه خانوار، و وقت زیادی باقی نمانده. امیدوارم که دولت مبتنی بر واقعیت‌ها و داده‌های درست اقتصادی و واقعیت‌های جامعه و کف بازار، و هزینه‌های واقعی زندگی کارگران دستمزدی را در دستور کار قرار دهد که منصفانه باشد. دولتی که داعیه دولت محرومان